



فرا تر از فلسفه؛ نقش اخوان الصفا در گسترش و تحول زبان و اندیشه عربی

امین مددی^۱

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران^۱

چکیده

اخوان الصفا در قرن چهارم در دوران تحولی از عصر طلایی اسلامی پدیدار شدند که با تبادل فرهنگی و فکری قابل توجهی در امپراتوری عباسی همراه بود. ساختار دانش در یک سلسله مراتب منسجم که طیف وسیعی از رشته‌ها را شامل می‌شد، از جمله اما نه محدود به ریاضیات، علوم طبیعی و مطالعات دینی، از جمله ارتباطات فکری و زبانی آن‌ها با جهان اسلام بود. اما آیا این رویکرد نوآورانه تنها به آموزش و یا ادغام منابع متنوع دانش پرداخت یا بر توسعه زبان عربی به عنوان عاملی حیاتی تأکید داشت؟ موضوعی است که تحقیق حاضر با استفاده از روش‌های تحلیلی و تاریخی، توضیح خواهد داد که دائرةالمعارف معروف به رسائل اخوان الصفا، نقش مهمی در گسترش و توسعه زبان عربی به عنوان زبانی علمی ایفا کرد. این مجموعه وسیع به خاطر استفاده فصیح از عربی کلاسیک قابل توجه بود که نه تنها غنای زبان را به نمایش گذاشت بلکه ایده‌های پیچیده علمی و فلسفی را برای مخاطبان وسیع‌تری قابل دسترسی کرد. اخوان الصفا همچنین با استفاده از ترجمه و بکارگیری واژگان تخصصی مرتبط با حوزه‌های گوناگون دانش، به غنای واژگان عربی افزوده و آن را متنوع‌تر کردند که نمایانگر ترکیبی از فلسفه یونان باستان، به ویژه ایده‌های ارسطویی و افلاطونی، با آموزه‌های اسلامی بود.

کلیدواژگان: اخوان الصفا، زبان عربی، فلسفه، تمدن اسلامی، علوم اسلامی.

۱. مقدمه

اخوان الصفا جمعیت سری فلسفی و عرفانی بودند که در ۳۷۳ ه‍.ق/۹۸۳ م در بصره و بغداد تاسیس یافت (شیخ، ۱۳۶۹: ۷۵) و دائرةالمعارف رسائل اخوان الصفا و خلان الوفا را نوشتند. (معین، ۱۳۷۱، ج ۵: ۱۰۷؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی) اخوان الصفا در دوره‌ای از تحول فرهنگی و فکری قابل توجه در جهان اسلام شکل گرفتند. این دوره شاهد ورود ایده‌ها از تمدن‌های معتبر مانند پارس، بیزانس، یونان و هند بود که به غنای تفکر فکری کمک کرد و باعث بازنگری در سنت‌های موجود شد. اخوان الصفا به‌طور قابل توجهی به این محیط فکری کمک کردند و ایده‌های فلسفی را از منابع مختلف، از جمله سنت‌های ارسطویی و افلاطونی، ترکیب کردند. (فاخوری و جر، ۱۳۷۳: ۱۷۰) هدف این گروه ترویج صلح و صفا بین مردم و رفع

¹. Email: amin_madadi@modares.ac.ir

اختلاف فکری و مذهبی از طریق گسترش حکومت عقل و تلفیق بین فلسفه و مذهب و ایجاد یک نوع آرمان‌شهر بوده است. چنانکه چند بار در رسائل خویش به برپایی حکومت دنیوی که عدالت بر آن حاکم باشد و خیر عمومیت یابد فرا خوانده‌اند. (ثقفی، ۱۳۷۶: ۴)

اخوان‌الصفاء نظریه خود را بر این مبدا بنیان نهاده‌اند که انسان بالطبع اجتماعی است. (همان: ۱۳) «بنابراین جز با همکاری ابنای جنس خود به هدف نرسد. پس انسان نتواند که تنها و دور از مردم دیگر زندگی کند، زیرا انسان نیازمند به زندگانی خوش است، که این زندگی جز با داشتن چند صنعت مختلف فراهم نشود، و یک نفر هرگز نتواند همه آن صنایع را به خوبی فراگیرد، چه عمر اندک است و صنایع بسیار، از این رو در هر شهر و دیه، گروهی کثیر گرد آمده‌اند تا به یاری یکدیگر بپردازند. حکمت خداوندی و عنایت پروردگار چنان ایجاب کرده که جماعتی به صنعت‌ها بپردازند، و جماعتی به بازرگان، و جماعتی به ساختن بناها، و جماعتی به تدبیر سیاسات، و جماعتی به امر تعلیم و تعلم.» (فاخوری و جر، همان، ۲۳۴)

آن‌ها برای ترکیب دانش فراتر از مرزهای فرقه‌ای تبلیغ می‌کردند و درک جهانی از حقیقت را ترویج می‌کردند که در میان فرهنگ‌های مختلف در دنیای اسلام طنین‌انداز بود. (al-Hamdānī, 1932:19) نظام فکری آن‌ها تلاش می‌کرد تا استدلال انسانی را با وحی پیامبرانه آشتی دهد و تمدن‌های شرقی و غربی را در چارچوب اسلامی ترکیب کند. (Abd, 2022:383)؛ بنابراین این گشودگی فکری به غنای بیشتر فرهنگ ادبی عربی کمک کرد که تأثیرات متنوعی را در آغوش می‌کشید، در حالی که حس وحدت بین دانشمندان را تقویت می‌کرد. (ممتحن، ۱۳۷۴: ۱۹۴) می‌توان گفت آنان تأثیرات قابل توجهی بر علم، فلسفه و ادبیات عربی از طریق اثر دایره‌المعارفی خود به نام رسائل اخوان‌الصفاء گذاشتند. (De Callatay, 2005:16) که قابل بررسی از زوایای مختلف است. بنابراین این مقاله در بررسی بعد ادبی و اندیشه‌ای، در پی پاسخ به این سوال است که چگونه اخوان‌الصفاء با تولید دانش و فلسفه در جهان اسلام، به توسعه و گسترش زبان عربی به عنوان زبان علم و اندیشه کمک کردند؟

و با بررسی‌هایی که صورت گرفت، می‌توان انتظار داشت که اخوان‌الصفاء، به عنوان یکی از مهم‌ترین جریان‌های فکری در تاریخ اسلام، با محوریت زبان عربی در آثار خود، توانسته‌اند مسیرهای نوینی برای انتقال علوم و فلسفه به نسل‌های آتی فراهم کنند. آنان نقش محوری در گسترش و غنی‌سازی زبان عربی در سرزمین‌های اسلامی از طریق نوشته‌های دایره‌المعارفی جامع خود ایفا کردند. تأثیر آن‌ها فراتر از صرف استفاده از زبان بود؛ آن‌ها محیطی مساعد برای

رشد فکری ایجاد کردند که سنت‌های فلسفی متنوع را در آغوش می‌کشید و همزمان زندگی اخلاقی و جستجوی عقلانی را ترویج می‌کرد.

۲-۱. هدف پژوهش

هدف این پژوهش، ارائه برخی از بینش‌ها درباره نقش رسائل در توسعه کلی ادبیات عربی کلاسیک و اهمیت آموزشی آن‌ها به‌طور خاص است. چنانکه با بررسی دقیق زمینه و شرایط تاریخی و همچنین رسائل اخوان‌الصفاء، مقاله سعی دارد روشن کند که چگونه برادران صفا نه تنها به جمع‌بندی محتوا می‌پردازند، بلکه از این شیوه نگارش برای تقویت اهداف آموزشی و فلسفی خود نیز استفاده می‌کنند. این تحلیل می‌تواند به فهم بهتر تأثیرگذاری این آثار بر جامعه علمی و آموزشی آن زمان و نیز بر میراث ادبی عربی کمک کند.

۳-۱. اهمیت موضوع

اخوان‌الصفاء با تألیف رسالاتی در زمینه‌های فلسفه، ریاضی و علوم طبیعی، به غنای ادبیات علمی عربی کمک کردند و زبان عربی را به عنوان وسیله‌ای کلیدی برای انتقال دانش معرفی کردند. اهمیت این موضوع در این است که برادران صفا نه تنها به ترویج علم پرداختند، بلکه با تأکید بر زبان عربی به عنوان زبان علم، به تثبیت و توسعه آن در جهان اسلام کمک شایانی نمودند. این مقاله به بررسی دقیق‌تر این جنبه از فعالیت‌های برادران صفا خواهد پرداخت، موضوعی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است و می‌تواند به درک عمیق‌تری از تأثیرات فرهنگی و علمی این انجمن بر تاریخ زبان عربی و علوم اسلامی منجر شود.

با تحلیل آثار و رسالات برادران صفا، می‌توانیم به بررسی چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها بر زبان عربی و نقش آن در گسترش علم و فلسفه بپردازیم. این پژوهش می‌تواند به روشن شدن ابعاد جدیدی از تاریخ فرهنگی اسلامی کمک کند که در آن زبان عربی نه تنها به عنوان یک وسیله ارتباطی، بلکه به عنوان یک ابزار علمی و فلسفی مورد استفاده قرار گرفته است.

۴-۱. پیشینه پژوهش

نهضت قرمطیان و بحثی در باب انجمن اخوان‌الصفاء و خلان‌الوفاء در ارتباط با آن، تألیف حسینعلی ممتحن، به تشکیل فرقه قرامطه و مباحث مرتبط با این فرقه چون ارتباط مکتب اخوان‌الصفاء با ایشان پرداخته است. نویسنده، کتاب را با مقدمه‌ای در معرفی قرمطیان آغاز کرده است و در فصول دیگر کتاب به مکتب اخوان‌الصفاء و خلان‌الوفاء و ارتباط آن‌ها با نهضت اسماعیلی و قرمطی، تأثیر اصل امامت در جنبش‌های قرمطیان و معتقدات و نظامات اجتماعی آنها مطرح شده به پایان رسیده است.

کتاب گزیده آموزه‌های اخلاقی، سیاسی، مدنی و کلامی اخوان الصفا و خلان الوفا نگاشته محمدرضا احمدی طباطبایی، جبار شجاعی، به این موضوع می‌پردازد که فعالیت این جمعیت شیعه مذهب سری بوده، اما با توجه به نام‌هایی که در کتب تراجم و همچنین قرائنی که در رسائل و مضامین آن است، ایرانیان در تشکیل و هدایت این جمعیت نقش داشته‌اند.

مقاله علمی دکتر شرف با عنوان «اخوان الصفا» که در جلد هفتم دائرةالمعارف بزرگ اسلامی منتشر شد، نشان دهنده ارزشمندترین سهم علمی این روشنفکران است و همزمان به عنوان جامع‌ترین مجموعه متفکران مرتبط با آنها است. دکتر شرف در این کار علمی تلاش کرد تا از طریق بررسی مستقیم متون اعتقادی اخوان، با ارجاع به معتبرترین متون اولیه در کنار تحقیقات معاصر، از محیط فکری اطراف اخوان و اصول بنیادین ایدئولوژی آنها پرده بردارد.

مقاله آراء و نظریات اخوان الصفا نگاشته سید محمد ثقفی به اندیشه اخوان الصفا پرداخته و نتیجه گرفته که همه آرا و سیاست خود را در رسائل‌شان آمیخته به الغاز و اشارات جای داده‌اند و بیش تر مقصودشان از نگارش، تعلیم بوده است نه بحث عمیق، و در آن، علم را به تنجیم و سحر و عزائم آمیخته‌اند.

مقاله «رسائل اخوان الصفا در ادبیات دعوت اسماعیلی طیبی»^۱ نگاشته حسین الحمدانی^۲ به رسائل به عنوان متنی حیاتی برای درک تفکر اسماعیلی و زمینه تاریخی آن، به ویژه در ارتباط با دعوت و پایه‌های فلسفی این ایمان خدمت می‌کند.

مقاله «فلسفه زیبایی و نظریه هنر اخوان الصفا»^۳ نگاشته موفق اولیوی کیدایر^۴ است که به بررسی نوشته‌های زیبایی‌شناسی و نظریه هنر اخوان الصفا پرداخته و نتیجه می‌گیرد که آنان به توسعه مفاهیم زیبایی در تفکر عربی و اسلامی کمک کردند.

۲- بستر تاریخی اندیشه اخوان الصفا

اخوان الصفا، شبیه ناقدان در طول دوره‌های مختلف تاریخی، به بررسی انتقادی شرایط اطراف خود مشغول شدند و بدین ترتیب مصیبت‌هایی را که جامعه اسلامی در اوایل قرن چهارم با آن مواجه بود، اذعان کردند. برجسته‌ترین و آشکارترین شاخص‌های آشفتگی سیاسی و اجتماعی در جامعه اسلامی در زوال محیط اطراف اخوان به ویژه شهر بصره آشکار شد. در سالنامه‌های تاریخ اولیه اسلامی به طور گسترده‌ای شناخته شده است که بصره و کوفه در آن دوره تنها مراکز شهری عراق را تشکیل می‌دادند. (احمد علی، ۱۹۵۳: ۱۱۶)

^۱ Rasa'il Ikhwan as-Safa in the literature of the Isma'ili Taiyibi Da'wat

^۲ Husain al-Hamdānī

^۳ Ikhwan Al-Safa beauty philosophy and theory of art

^۴ Muwafaq Oleiwi Kydair

بصره به عنوان یک مرکز اقتصادی و فرهنگی در آن زمان، نمایانگر بحران‌های عمیق اجتماعی و سیاسی بود که اخوان به آن توجه داشتند. (همان، ۱۱۸) اخوان‌الصفّا با تحلیل وضعیت بصره، مشاهده کردند که اولاً فساد اخلاقی، تبذیر و بی‌عدالتی در میان کارگزاران سیاسی رواج یافته است. دوماً عباسیان با سیاست‌های دوگانه خود، موجب تضعیف وحدت مسلمانان و افزایش تنش‌های سیاسی شده بودند و به نقد خلافت عباسی پرداختند. (عنایت، ۱۳۵۸: ۱۴)

این نوع نارضایتی‌ها را به طور قابل توجهی می‌توان در نامه هشتم جلد دوم دید که در واقعیت مهمترین قسمت کل مجموعه را تشکیل می‌دهد و ظاهراً به موضوع جانورشناسی می‌پردازد. (سلطانی، ۱۳۵۴: ۳۸) که پیش از ظهور اخوان، این شهر نشانه‌هایی از قابلیت‌های سوداخانه ای پنهان خود را نشان می‌داد و مجموعه متنوعی از نهادهای اجتماعی - سیاسی و اقتصادی در بصره شروع به تحول کردند که هر کدام اشکال پیچیده خود را به خود گرفتند. (همان: ۱۱۹)

۳- رسائل اخوان‌الصفّا؛ بنیان‌های فکری و فلسفی

اخوان‌الصفّا با عنوان کامل اخوان‌الصفّا و خلان‌الوفا و اهل‌العدل و ابناء‌الحمد، انجمنی که هیچ یک از نویسندگان این رساله‌ها که بر مخفی ماندن هویت خود همواره اصرار و تأکید داشتند، فاش نشده است. (de.Unzaga, 2010: 306) ابوحنّان توحیدی پنج تن از آن‌ها را چنین معرفی کرده است: ابوالحسن علی بن هارون زنجانی، ابواحمد مهرجانی (نهرجوری هم ضبط شده)، ابوسلیمان محمد بن معشر بیستی (بُستی) معروف به مقدسی، عوفی (عوفی هم ضبط شده) و زید بن رفاعه از اعضا و از مؤلفان رسائل بودند. (ابوحنّان توحیدی، بی تا: ۵/۲)

هانری کوربن عقیده دارد که رساله پنجاه و دوم که اخیراً به چاپ رساله‌های اخوان‌الصفّا افزوده شده است، پرده از اسماعیلی بودن آنان برداشته است. (کوربن، ۱۳۷۱: ۳۱۹-۳۲۲) همچنین خلاصه‌ای از آن با عنوان «رسالة‌الجامعه» در دست است. (گروه علوم تربیتی، ۱۳۷۴: ۶) رسائل به موضوعاتی مرتبط با ابعاد اخلاقی و روحانی دانش می‌پردازند. تأثیر آنها فراتر از زمینه فوری خود گسترش یافته و تأثیر قابل توجهی بر تفکر و فلسفه اسلامی بعدی گذاشته است. (El-Bizri & Daftary, 2008: 203)

ماهیت باطنی رسائل نشان می‌دهد که تعالیم آن برای مخاطبان خاصی که احتمالاً به زبان عربی تسلط داشتند، طراحی شده است و می‌توانستند به ظرافت‌های فلسفی و الهیاتی پیچیده ارائه شده در متن پی ببرند. این انحصار بر اهمیت زبان در انتقال پیام‌های مورد نظر دعوت اسماعیلی تأکید می‌کند. علاوه بر این، رسائل نه تنها به عنوان یک متن علمی-فلسفی بلکه به عنوان یک سند تاریخی عمل می‌کند که پویایی‌های اجتماعی-سیاسی آن زمان، به‌ویژه در ارتباط با خلافت

فاطمی را منعکس می‌کند. بنابراین زبان عربی نقش حیاتی در مستندسازی این روایت‌های تاریخی و تحول اندیشه اسماعیلی ایفا می‌کند. (Oleiwi Kydair, Ibid:19)

۴- عقاید و آموزه‌های اخوان‌الصفاء

با توجه به اینکه نمی‌توان در مورد وابستگی مذهبی آنها با اطمینان ادعا کرد. با این حال، شواهد قابل توجهی وجود دارد که نشان می‌دهد تمایل قوی به اسماعیلیه، به ویژه در رابطه با سلسله فاطمی وجود دارد. (سجادی، ۱۳۸۴: ۱۹) اخوان‌الصفاء را شاید بتوان نماینده فرهیخته‌ترین گروه از شریعت ستیزان دانست. اندیشه اخوان‌الصفاء شبیه به شریعت ستیزی اسماعیلی فلسفی یا صوفیانه است و همچون آن گرایش‌ها دل مشغول دست یافتن به کمالی فردی است. پس از آن که کسی به این مرحله رسید می‌تواند شریعت را نادیده بگیرد. این بی‌اعتنایی به شریعت معمولاً به شکل دست کشیدن از مناسک عبادی عدم رعایت احکام مربوط به خوردنی‌ها - همچون ممنوعیت شرب خمر- و گه‌گاه زیر پا نهادن محدودیت‌های مرتبط با روابط جنسی جلوه می‌کند کسی که به کمال رسیده ممکن است برای آن که با خانواده همسایگان صاحبان قدرت و ... دچار مشکل نشود در ظاهر و در همراهی با دیگران شریعت را مراعات، کند اما در باطن و در زندگی شخصی‌اش چنان زندگی می‌کند که خود تشخیص می‌دهد و می‌پسندد. (کرون، ۱۳۹۴: ۵۴۸) آن‌ها همچنین بر این باور بودند که حکمت باید مطابق با توانایی‌های انسانی باشد؛ یعنی علم فرد باید واقعی باشد، کارهای او کامل باشد، اعمالش خوب باشد، رفتارهایش زیبا باشد و نظراتش صحیح و پاک باشد. (Oleiwi Kydair, Ibid:21) علاوه بر این، درک عمیق نویسندگان از طبیعت انسانی و چگونگی انتقال دیدگاه‌هایشان درباره آنچه خوب است و آنچه دانستن آن ارزشمند است را نشان می‌دهند، همراه با اقداماتی که باید برای دستیابی کیفیت مطلوب و کسب دانش انجام شود (Günther, Ibid:107-108)

۵- بررسی تأثیر اندیشه‌های ارسطویی و نوافلاطونی بر آموزه‌های اخوان‌الصفاء

اخوان‌الصفاء بر این باورند که یونانیان دارای دانش‌های فراوانی از جمله پزشکی، هندسه، نجوم، ریاضیات، منطق- و الهیات هستند که این علوم را از فرهنگ‌ها و ملل گوناگون کسب کرده‌اند. (رسائل، ۱۴۱۲: ۲۸۸/۲) نوشته‌های آنان منعکس‌کننده آمیزه‌ای منحصربه‌فرد از اندیشه‌های ارسطویی و نوافلاطونی است. در واقع اصول اولیه ارسطو یعنی جذب به عقل و قلب و شخصیت به‌طور مؤثری در رساله‌ها به‌عنوان ابزارهایی برای آموزش و روشنگری استفاده شده است. (Günther, Ibid:109)

به اعتقاد آنها کمال وقتی حاصل می‌شود که فلسفه یونانی و شریعت عربی به هم پیوندند. (ابوحیان توحیدی، همان، ۸۳) به عنوان نمونه در رساله ۲۰ که طبیعت را مورد بحث قرار می‌دهد، مشهود است. این رساله نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم ارسطو توسط اخوان اقتباس و بازتفسیر شده است و آنها را به عنوان چهره‌های کلیدی در تحول اندیشه فلسفی اسلامی قرار می‌دهد. این ارتباط متقابل نشان می‌دهد که اندیشه اسماعیلی ممکن است در طیف وسیع‌تری از فلسفه اسلامی نفوذ کرده باشد که قبلاً تصدیق می‌شد و تابلوی غنی از تبادل فکری در سنت را آشکار می‌کرد. بنابراین آنها به طور مشخص تحت تأثیر نوافلاطونی هستند. از این رو، در نظر اخوان، یونانیان افرادی دانشمند و صاحب نظر به شمار می‌آیند. (عسگری و ذهبی، ۱۳۹۰: ۲۲) هرچند ترجمه‌هایی که اخوان از آنها استفاده کرده، دقیق و از اعتبار علمی بالایی برخوردار نبوده است.

۶- ادغام سنت‌های فلسفی و ایجاد سنتز چند فرهنگی

اخوان برای بیان تفاوت‌های افراد و جوامع مختلف در یادگیری علوم، به ملت‌هایی مانند ایران، عراق، شام و روم اشاره می‌کنند که به شدت به دانش‌آموزی علاقه‌مندند. در مقابل، ملت‌هایی مانند کردها، اعراب، سیاه‌پوستان و ترکان را بی‌میل به فراگیری علوم می‌دانند. همچنین، آنها به این نکته اشاره می‌کنند که علوم در برخی از ملت‌ها و در زمان‌های خاصی بیشتر رواج دارد و سپس به دیگر ملت‌ها و زمان‌ها نیز منتقل می‌شود. (رسائل، ج ۳: ۲۷۷)

آنان با ترکیبی شگفت‌انگیز از تأثیرات متنوع، از جمله سنت‌های بابلی، هندی و فارسی، همراه با ارجاعات کتاب مقدس و گنوسی مشخص می‌شود. این ترکیب در آثار آنها مشهود است، جایی که عناصر مختلف از سنت‌های فکری گوناگون به هم می‌پیوندند و گفتمانی منحصر به فرد را تولید می‌کنند که درک از جهان طبیعی و وجود انسانی را پیش می‌برد. این ویژگی‌ها نشان‌دهنده یک رویکرد جامع و باز به دانش و فرهنگ‌های مختلف است که می‌تواند به فهم عمیق‌تری از تعاملات فرهنگی و فکری در تاریخ اسلام کمک کند. رساله‌ها به عنوان پلی میان سنت‌های مختلف عمل می‌کنند و گواهی بر غنای فکری و تنوع در تفکر اسلامی هستند.

(Günther, Ibid: 114)

اخوان فرایند یادگیری علوم را به صورت تدریجی ترسیم می‌کنند، چنان‌که معتقدند انسان آن را طی مراحل مختلفی فرا می‌گیرد و در این فرایند تنها از حواس خویش یاری نمی‌جوید بلکه علوم را در خلال صحبت کردن و خواندن و نوشتن و شنیدن اخبار و تعلیم و تربیت فرا می‌گیرد و تمامی اینها در بطن جامعه و در ارتباط با دیگران به وقوع می‌پیوندد. (رسائل، همان، ج ۳: ۴۱۴)

نوشته‌های آنان نه تنها بازتاب‌دهنده جو فکری زمان خود هستند، بلکه نشان می‌دهند که چگونه این برادری به دنبال پاسخ به سوالات معرفت‌شناختی است که برای درک چشم‌انداز فلسفی جهان اسلام ضروری است. به عبارتی متون فلسفی آن‌ها، به‌ویژه رسائل، تعامل فکری زنده‌ای را با علوم اصلی و سنت‌های دینی زمان خود نشان می‌دهد و دیدگاه انتقادی آن‌ها را نسبت به رکود فرهنگی که در جامعه مشاهده می‌کردند، منعکس می‌سازد.

۷- اصلاحات آموزشی: نیازها و استراتژی‌های اخوان الصفا

تعلیم و تربیت در اندیشه اخوان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌گونه‌ای که برخی هدف اصلی اخوان را تعلیم و تربیت به معنای گسترده آن می‌دانند. این افراد خود را وارث انبیا می‌شناسند و بر این باورند که وظیفه‌شان درمان روح‌ها و آموزش و تربیت انسان‌ها به سمت هدف‌والای زندگی است. (همان، ج: ۱: ۲۶۰) البته آنان خداوند را معلم حقیقی می‌دانند (همان، ۳۷۳)

برادران صفا برنامه‌ای بلندپروازانه برای اصلاحات فکری و آموزشی ارائه دادند. این برنامه بر سه فرضیه بنیادین استوار بود و نشان می‌داد که فلسفه و آموزش برای بهبود جامعه حیاتی‌اند. تلاش‌های فلسفی برادران صفا در دامنه وسیعی از موضوعات گسترش یافته بود که شامل اخلاق، روان‌شناسی، الهیات و فلسفه سیاسی می‌شد و رویکردی جامع به دانش را نشان می‌داد که حوزه‌های مختلف را به هم پیوند می‌زد.

عبارت «این رساله را به برادران و دوستان خود نشان دهید و آن‌ها را به دانش مشتاق کنید» به وضوح نشان می‌دهد که برادران صفا نه تنها به انتقال دانش اهمیت می‌دادند، بلکه به ترویج اشتیاق برای یادگیری و گسترش علم در میان جامعه خود نیز توجه داشتند. این رویکرد آموزشی و دعوت به یادگیری، بخشی از میراث فرهنگی و علمی آن زمان را تشکیل می‌دهد و نشان‌دهنده تأکید بر ارزش‌های آموزشی در تفکر اسلامی است. (همان، ج: ۳: ۹۵)

در مقدمه‌ی رساله ۷، اهداف اصلی این رساله به‌طور خلاصه بیان شده است. اخوان الصفا اعلام می‌کنند که قصد دارند درباره‌ی هنرهای علمی گزارش دهند و تأثیرات آن‌ها بر روح‌های یادگیرندگان را توضیح دهند و همچنین بر ماهیت و انواع دانش نظری تأکید کنند. در ادامه‌ی این مقدمه، راهنمایی و اطمینان به خوانندگان در مسیر یادگیری ارائه می‌شود. هدف بیان شده این است که این رساله دانش‌آموزان را به «تمایل به دانش» ترغیب کند، آن‌ها را به ترک این دنیا تشویق نماید و راهی به سوی سرای آخرت نشان دهد؛ علاوه بر این، برادران پاکی تأکید می‌کنند که انتظار دارند خواننده سفر آموزشی خود را با اعتمادبه‌نفس و شادی آغاز کند. آن‌ها به شاگردان تشویق می‌کنند و یادگیری را به‌عنوان راهی برای نزدیک‌تر شدن به خدا، جلب

رضایت او و دستیابی به خوشبختی‌ای که سرای آخرت وعده می‌دهد، معرفی می‌کند. (همان: ۱۲۰)

در حالی که به شخصیت والای یادگیری اشاره می‌کند، آنان همچنین تأکید می‌کنند که دستیابی به رضایت، خوشحالی و نجات از طریق یادگیری همان روشی است که «پیامبران... و بهترین و بافضیلت‌ترین دانشمندان و حکما از آن پیروی کرده‌اند.» بنابراین، از خواننده خواسته می‌شود تا نهایت تلاش خود را برای دستیابی به این نوع شادی و رضایت انجام دهد. آنها باید اطلاعات ارائه شده در این رساله را در عمل پیاده کنند و آن را با برادران و دوستان خود به اشتراک بگذارند. (همان)

۸- زبان به عنوان ابزار تفکر: دیدگاه اخوان الصفا

اخوان الصفا یکی از ویژگی‌های بارز انسان را نطق و گفتار می‌دانند. به اعتقاد آنها، کلام انسانی صدایی است که با حروف مقطعه شکل می‌گیرد و به مفهومی خاص اشاره دارد. در واقع، آنها زبان را به عنوان یک قرارداد و معیار برای فهم و شناسایی معانی تلقی می‌کنند. (رسائل، همان، ج ۳: ۱۰۱) قراردادهایی که در هر زبانی، روابط انسان‌ها را با یکدیگر تنظیم می‌کنند. به اعتقاد اخوان، زبان و خط به تدریج و در نتیجه تغییرات و تحولات مختلف شکل گرفته و به تدریج اشکال و قالب‌های متنوعی به خود گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که هر قوم و ملتی خط و زبان خاص خود را دارد. مانند خطوط و زبان‌های عربی، سریانی، قبطی، عبری یونانی، هندی، رومی و غیره که خدا آنها را متناسب با اختلاف رنگ‌ها طبایع صنایع علوم و معارف به وجود آورد. (همان، ج ۱: ۲۱۹) آنها حقیقت حروف را به درختی تشبیه می‌کنند که به تدریج رشد کرده و هر روز شاخ و برگ‌های بیشتری پیدا می‌کند. این درخت به واسطه انشعاب اقوام و ملل مختلف گسترش می‌یابد؛ به گونه‌ای که هر قوم بر اساس تجربیات و اجتهاد رهبران خود و همچنین با توجه به ذوق، استعداد و اندیشه‌هایشان، اشکالی از حروف را به دست می‌آورند. (همان، ج ۳: ۱۴۹)

در رساله ۸، معلمان و مربیان به عنوان "راهنما" برای شاگردان معرفی می‌شوند و آموزش آنها به عنوان "راهنمایی" مطرح می‌شود. این انتخاب واژه‌ها مسئولیت اخلاقی معلمان را در شکل‌گیری شخصیت اخلاقی دانش‌آموزان برجسته می‌کند. (Günther, Ibid: 118)

آنها خود را گروهی معرفی می‌کنند که پس از وفات پیامبر اکرم و مصائبی که بر خاندان و نزدیکان او وارد شد و همچنین قتل افرادی که در برپایی دین (ناموس) یاور او بودند، پراکنده شدند. آنها در دوره‌ای ستر و همانند اصحاب کهف به غار پناه بردند، تقیه پیشه می‌کنند و به انتظار ظهور «قائم» خود نشسته‌اند. (رسائل، ج ۴، ص ۱۴۶، ۲۶۹) برادران خوان همچنین به طور ظریف انتقاداتی از کسانی که نظرات متفاوت دارند، مطرح می‌کنند و بیان می‌کنند که برخی از

اندیشمندان به اشتباه معتقدند که دانش خود را صرفاً از طریق عقل و تأملات خود به دست آورده‌اند. آنها نمی‌فهمند که تمام دانش در نهایت از خداوند ناشی می‌شود. این زبان اخلاقی نه تنها برای آموزش بلکه برای الهام‌بخشی به حس وظیفه و مسئولیت میان معلمان و دانش‌آموزان نیز خدمت می‌کند. این تأکید بر اهمیت ملاحظات اخلاقی در آموزش، معلمان را ترغیب می‌کند تا در شیوه‌های تدریس خود الگوی صداقت و استدلال اخلاقی باشند. با این کار، آنها می‌توانند محیطی را پرورش دهند که در آن دانش‌آموزان نه تنها محتوای علمی را یاد بگیرند بلکه همچنین نحوه‌ی مواجهه با معضلات اخلاقی و توسعه‌ی قطب‌نمای اخلاقی خود را نیز بیاموزند. (Günther, Ibid) بنابراین، به نظر اخوان، از یک سو، واژگان و ادبیات هر ملت هویت آن ملت را شکل می‌دهند و آن‌را از دیگر ملل متمایز می‌سازند. از سوی دیگر، گاهی در درون یک ملت واحد نیز تنوع لغات و ادبیات می‌تواند مرزبندی‌هایی میان افراد یک جامعه ایجاد کند و در واقع در گستره وسیع یک ملت، دایره‌های کوچکتری شکل می‌گیرد. به عنوان مثال اخوان بیان می‌کنند که با پخش شدن اعراب در نقاط مختلف زمین و با توجه به زادگاه، موقعیت جغرافیایی، مزاج و ویژگی‌های طبیعی آن‌ها، واژگانشان دچار تغییر و تنوع شد. هر قبیله عرب نیز لغتی خاص را انتخاب کرد که آن‌ها را از سایر قبایل متمایز می‌ساخت. به این ترتیب، یک مفهوم واحد در زبان عربی به نام‌های متعددی شناخته شد. (رسائل، همان: ج ۳: ۱۵۱-۱۵۲)

اگرچه اخوان صرفاً به تنوع و گوناگونی لغات و زبان اشاره نکرده‌اند، اما در پی کشف علل و ریشه‌های این گوناگونی نیز بودند و به عواملی اشاره می‌کنند که برخی از این عوامل فوق طبیعی برخی طبیعی و بعضی صرفاً اجتماعی است. آنها با استفاده از واژگان و اصطلاحات خاص، مفاهیم علمی را به زبان عربی ترجمه و تبیین کردند که این امر به غنای زبان عربی کمک کرد. در واقع آنان با این رویکرد به دنبال ایجاد یک جامعه‌ای هستند که در آن همگان از یکدیگر بیاموزند و به رشد معنوی و اخلاقی دست یابند. به عبارتی دیگر این گروه با تدوین رسائل، سعی داشتند تا مفاهیم علمی و فلسفی پیچیده را به زبان عربی بیان کنند و آن را به ابزاری برای گفتمان علمی تبدیل نمایند. اخوان‌الصفا تلاش کردند زبان عربی را نه تنها به عنوان یک وسیله ارتباطی، بلکه به عنوان زبانی علمی و فلسفی معرفی کنند. از نظر آنها، گسترش زبان عربی به علم و فرهنگ اسلامی کمک می‌کند و فرصت‌های جدیدی را برای تبادل دانش بین فرهیختگان فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری

تحول زبان عربی به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر جنبش‌های فرهنگی و فکری مختلف در طول تاریخ بوده است. آغاز مطالعات زبان عربی به دوران کلاسیک اولیه اسلام برمی‌گردد، که

به‌ویژه به نیاز مسلمانان برای درک و بیان پیام‌های موجود در قرآن و حدیث مربوط می‌شود. این دوره شاهد ظهور عربی به‌عنوان نیرویی یکنواخت‌کننده در میان گروه‌های قومی، ملل و ادیان متنوع در داخل امپراتوری اسلامی بود. با این حال، در حالی که گسترش اسلام به پذیرش تدریجی عربی کمک کرد، برخی جوامع به‌مدت طولانی با زبان‌های بومی خود باقی ماندند.

در نتیجه اخوان‌الصفاء با تولید متون فلسفی و علمی مهم به زبان عربی، موقعیت عربی را به عنوان زبانی پیشرو برای گفتمان علمی در دوران طلایی اسلام تقویت کردند. آثار آن‌ها با وضوح و عمق خاص خود شناخته می‌شدند و مطالعه آن‌ها برای افراد تحصیل کرده در حوزه‌های مختلف ضروری بود. این نه تنها وضعیت زبان عربی را بالا برد بلکه استفاده مداوم از آن را در محیط‌های علمی پس از زمان آن‌ها تضمین کرد.

بنابراین آثار آن‌ها، به‌ویژه رسائل، نشان‌دهنده ترکیبی از ایده‌های دینی و فلسفی است که به دنبال بهبود شرایط مادی و معنوی زندگی از طریق توسعه اخلاقی و فکری بود. طبقه‌بندی دانش در رسائل به خاطر ساختار سلسله‌مراتبی خود قابل توجه است که موضوعات را به دسته‌هایی سازماندهی می‌کند که پیشرفت از مفاهیم ساده‌تر به پیچیده‌تر را منعکس می‌کند. این سیستم طبقه‌بندی با دیگر سیستم‌های معروف اسلامی، مانند آنچه که توسط فیلسوفانی چون کندی و ابن سینا پیشنهاد شده، مقایسه شده است. اخوان بر ادغام سنت‌های فلسفی مختلف، به ویژه نوافلاطونیسم و ارسطوییسم، تأکید کردند تا دانش را در حوزه‌های مختلف منتقل کنند.

این برنامه اصلاح طلبانه بر درک ضرورت رشد اخلاقی و فکری تأکید داشت که زبان عربی نقش حیاتی در مستندسازی این روایت‌های تاریخی و تحول اندیشه اسماعیلی ایفا می‌کند. به عبارتی دیگر استفاده از زبان عربی در رسائل اخوان‌الصفاء جزء جدایی‌ناپذیر هویت آن به عنوان یک متن بنیادی در ادبیات اسماعیلی است و انتقال دانش و بیان مفاهیم الهیاتی پیچیده را تسهیل می‌کند.

بنابراین اخوان‌الصفاء نقش محوری در گسترش و غنی‌سازی زبان عربی در سرزمین‌های اسلامی از طریق نوشته‌های دائره‌المعارفی جامع خود ایفا کردند. تأثیر آن‌ها فراتر از صرف استفاده از زبان بود؛ آن‌ها محیطی مساعد برای رشد فکری ایجاد کردند که سنت‌های فلسفی متنوع را در آغوش می‌کشید و همزمان زندگی اخلاقی و جستجوی عقلانی را ترویج می‌کرد. این مسئله نه تنها بر محققان و دانشجویان حوزه زبان و ادبیات عربی تأثیر می‌گذارد، بلکه بر تمامی افرادی که به تاریخ و فرهنگ اسلامی علاقه‌مند هستند نیز مرتبط است. اگر این مشکل نادیده گرفته شود، ممکن است منجر به از دست رفتن بخشی از تاریخ فرهنگی و علمی اسلام شود که می‌تواند به فهم بهتر ما از تحولات زبانی و فرهنگی کمک کند.

کتابنامه

- ثقفی، سید محمد. (۱۳۷۶)، آراء و نظریات اخوان الصفا، حکومت اسلامی، شماره ۴، صص ۱۴۲-۱۶۵.
- حسینعلی، ممتحن. (۱۳۷۱)، نهضت قرمطیان و بحثی در باب: انجمن اخوان الصفا و خلان الوفاء در ارتباط با آن، تهران-ایران، دار خضر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول.
- سجادی، سید محمد صادق. (۱۳۸۴)، نگاهی به کتاب الرساله الجامعه و گروه اخوان الصفا، به مناسبت نخستین سالگرد درگذشت دکتر شرف الدین خراسانی، نشریه بررسی های نوین تاریخی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۹-۲۴.
- سلطانی، علی. (۱۳۵۴)، سیمغ در فرهنگ و ادب ایران: نقش سیمغ در آثار اخوان الصفا، نگین، شماره ۱۲۶، صص ۳۷-۳۹.
- شیخ، سعید. (۱۳۶۹)، مطالعات تطبیقی، در فلسفه علوم اسلامی، ترجمه مصطفی محقق داماد، تهران-ایران، انتشارات خوارزمی.
- عسکری، سمانه؛ ذهبی، سید عباس. (۱۳۹۰)، مؤلفه های فرهنگ و تمدن در آثار اخوان الصفا، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱۳، صص ۳-۲۶.
- عنایت، حمید. (۱۳۵۸)، بینش سیاسی اخوان الصفا؛ یک جنبش روشن بین ایرانی در دامن فرهنگ اسلامی، نگین مهر، شماره ۱۷۱، صص ۵۶-۶۷.
- فاخوری، حنا؛ جر، خلیل. (۱۳۹۳)، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالمحمد آیتی تهران-ایران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی)، چاپ یازدهم.
- کوربن، هانری. (۱۳۷۱)، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه اسدالله مبشری، تهران-ایران، امیرکبیر، چاپ چهارم.
- گروه علوم تربیتی. (۱۳۷۴)، مبانی آرای تربیتی اخوان الصفا، حوزه و دانشگاه، شماره ۴، صص ۷-۲۲.
- معین، محمد. (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، ج ۵، تهران-ایران، انتشارات امیرکبیر.
- ابوحیان توحیدی، الامتاع والمؤانة، بیروت-لبنان، چاپ احمد امین و احمد زین [بی تا].
- اخوان الصفا. (۱۴۱۲)، رسائل اخوان الصفاء و خلان الوفاء، بیروت-لبنان، الدار الإسلامية.
- علی، صالح أحمد. (۱۹۱۸) التنظيمات الاجتماعية والاقتصادية في البصرة في القرن الاول الهجري، بغداد-عراق، مطبعة المعارف.
- فاخوری، حنا؛ جر، خلیل. (۲۰۰۲)، تاریخ الفلسفة العربية، بیروت-لبنان، دارالجيل، چاپ اول.
- Abd, Harith Jabbar (2022), *Al-Safa Brothers, a historical study*, College Of Basic Education Researches Journal, Volume 18, Issue 4, pp. 379-401.
- al-Hamdānī, Husain F.(1932), *Rasā'il Ikhwān aş-Şafā in the literature of the Ismā'īlī Taiyibī Dawat*, Publisher by Walter de Gruyter GmbH & Co. KG, Der Islam Journal, Volume: 20, Issue 4, pp. 281-300.

- De Callatay, Godefroid (2005), *Ikhwan al-Safa': A Brotherhood of Idealists on the Fringe of Orthodox Islam (Makers of the Muslim World)*, Oneworld Academic.
- de-Unzaga, Omar Alí (2010), '*Ikhwān al-Ṣafā'*', in *Christian-Muslim Relations. A Bibliographical History*, Volume 2 (900-1050), ed. David Thomas and Alex Mallett, with Juan Pedro Monferrer Sala, Johannes Pahlitzsch, Mark Swanson, Herman Teule, and John Tolan (Leiden: E.J. Brill) [The History of Christian-Muslim Relations, 14], pp. 306-311.
- El-Bizri, N; Daftary, F(2008), *Epistles of the Brethren of Purity : the Ikhwān al-Ṣafā' and their Rasā'il*, Edition: 3rd, Oxford University Press.
- Günther, Sebastian(2023), *An Inquiry into the Epistles of the Brethren of Purity, Dedicated to Professor Maher Jarrar, on the occasion of his 67th birthday*, University of Göttingen Germany, Al-Abhath, American University of Beirut, Volum: 71, pp. 96-121.
- Oleiwi Kydair, Muwafaq(2018), *Ikhwan Al-Safa beauty philosophy and theory of art*, Alusta journal for human and social sciences, Volum: 217 No. 1, pp. 19-38.